

# زنان

یادداشت

## تغییر به احسن

بررسی مشکلات حقوقی همسران شهدا در خصوص فرزندان شان

زهرامای

همسر شهید مدافع حرم محمد حسین مرادی  
مدیرعامل مؤسسه فرهنگی ریاب

## مسیری فرای جنسیت-۲

بررسی تلاقی اربعین وافق های جنسیتی

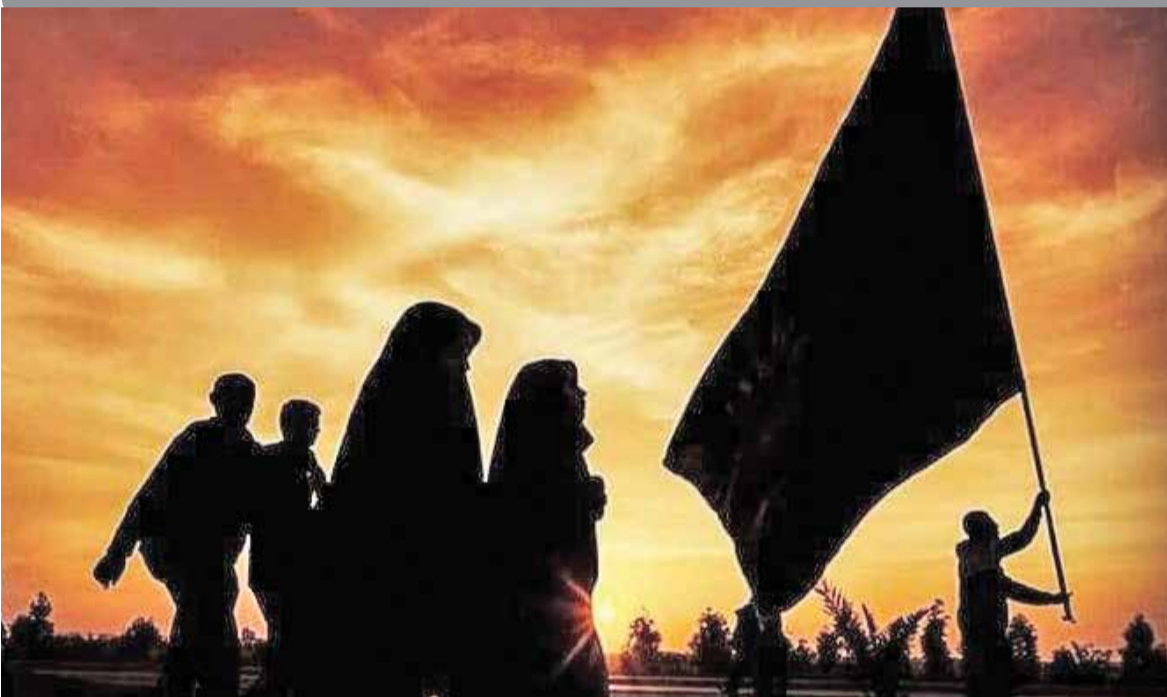
زهراد اورمیانه

عضو هیات علمی پژوهشکده زنان و خانواده

مجددنه کامیار

پژوهشگر دکترای مطالعات زنان

در شماره چهارم «ایران جمعه» مورخ ۹ شهریور ۱۴۰۲، یادداشتی تحت عنوان «مسیری فرای جنسیت» جهت بررسی تلاقی اربعین وافق های جنسیتی داشتیم. پس از انتشار این یادداشت آقای مهدی تکلو، یادداشتی در خصوص نقد مسأله مطرح شده نگاشتند. ضمن تشکر از ایشان به خاطر دغدغه مندی و طرح نکات و نه در پاسخ، بلکه به منظور وضوح بیشتر بحث، نکاتی را عرض می کنیم. پیش از آن لازم به ذکر است که مطلب مورد نقد ایشان، یعنی یادداشت اخیر در روزنامه ایران، در واقع بریده ای کوتاه از یک مقاله مفصل است و بسیاری از موارد ناگشوده در این متن، در مقاله اصلی به تفصیل مطرح شده اند. غرض از این نکته البته رفع مسئولیت از آنچه آمده با آنچه نیامده، نیست.



ناقد محترم تقریباً هیچ عنایتی به آن نداشته اند. مباحث ایجابی آقای تکلو درباره نفس، جایگاه آن در آفرینش و نسبت جنسیت با جامعه و امر قدسی، قابل تأمل و بررسی است که فرصتی از آن خود می طلبد. همچنین بحث از انقلاب اسلامی گرچه اشتراکاتی با بحث اربعین دارد، مستلزم فرصتی جداگانه و بحثی تفصیلی است. این تحلیل دیگر-که می تواند تا حدی با به کلی خطا باشد- ادعا دارد مرکزیت بخشی به جنسیت بخصوص در بستر تفکر دینی و انقلابی، سال هاست که در قالب های مختلف ظاهر شده و امکان ها و محدودیت های خود را نشان داده است. حتی چه بسا همین فوق سوژگی جنسیت است که در غرب پس از سال ها ضد زن بودن، حالا به ضد جنسیت بودن و تحولات این عرصه رسیده است. این منطق آسیب شناسی، پیشنهاد تجویز خود را با تکیه بر هستی شناسی دینی در خصوص ذومراتب بودن عالم و آدم، ارائه می کند: حرکت به سوی تصویری وسیع تر و کلان از جنسیت در نظام عالم، با این تصویر نه مردان، خود را جنس برتر می بینند و نه زنان دچار احساس محدودیت و محرومیت می شوند. آنها می دانند در پلکان طولی و در واحدهای عرضی بی شمار عالم، امکان های بی نهایتی هست که تعلق به جنسیت زنانه یا مردانه، دست انسان را از غالب آنها کوتاه نمی کند. امتیاز این تصویر از نظر ما این است که دیگر جنسیت، یک امر محدودکننده یا متعین کننده و قاهر بر همه عظمت انسانی تلقی نمی شود، دیگر لازم نیست در همه ساحات حیات از فردی تا اجتماعی و سیاسی و دینی... نگران آن باشیم و همه چیز را زنانه و مردانه کنیم، همچنین دچار مشکلاتی نمی شویم که در غرب فمینیسم رمانتیک و در شرق، رویکرد تحجر گرفتارشان شد.

باید گفت مهم ترین نقدی که به متن وارد شده است، بی وضعی و بلاتکلیفی درباره جنسیت و لذا عدم جواز تجویز درباره آن است. با گذشت ۲۵۰ سال از تاریخ فلسفه می دانیم که می توان به ماهیت امری دست نیافت و در عین حال درباره آن تحلیل هایی معنادار و قابل تأمل گفت. در واقع ادعای شناخت ماهیت جنسیت از سوی نگارندگان نه تنها ضرورت ندارد، بلکه امکان آن محل تردید جدی است. با این حال یادداشت در حدی که مقتضای یک متن کوتاه است؛ اشاره ای به موضع خود درباره جنسیت داشته و از آنجا که بر محور جنسیت است، نمی توان گفت مباحثات جنسیتی را جار و جنجال و کدورت تلقی کرده است. نگارندگان به سه لایه ظهور جنسیت در رویداد اربعین بر زنان و مردان می پردازند. در لایه اول، جنسیت به مثابه حدی تعیین بخش و در لایه دوم در قالب عقلانیت های مختلف و نظام های معنایی متنوع ظهور می یابد. هر کدام از این سطوح، آثار و تفصیل خاصی دارد. اما لایه سوم مرحله ای است که از بحث مراتب وجود در اندیشه های عرفانی و دینی از جمله فلسفه صدرالالهام گرفته شده است. مرحله ای که چنانکه گفته شد جنسیت، حذف، نفی یا مورد ضدیت قرار نمی گیرد و طبیعتاً نتایجی که ناقد محترم گرفته اند، بر این ایده مترتب نیست. چون جنسیت و آثار و تکر ناشی از آن نفی نشده، بلکه مورد استعلا یا فراروی قرار گرفته است. حرکت در مراتب وجود در اندیشه صدایی بدان معنا است که موجود از عوارض محدودکننده و مختص به مراتب نازل رها می شود و در عوض حقیقت نورانی و وحدانی آن ظهور می کند. این به معنای نفی خواص موجود در طبقات پایین وجود نیست. در عین حال حرکت وجودی اگر به معنای عدم تغییر در یک ذات و عوارض آن باشد، پس چه حاصلی دارد؟ (نسخه نازلی از این بحث در مفهوم رفع «Aufhebung» هگل در اندیشه غرب مطرح شده است).

در متن قبلی سه لایه ظهور جنسیت، در طول هم قرار دارند و هر بار انسان جنسیت مند را به معرفتی عمیق تر و وحدانی تر راهنمایی می کنند. در لایه اول معرفت متمرکز بر عوارض محدودیت زای جنسیت، خطا نیست اما بسیار محدود و مادی و تنگ مایه است. در مرتبه دوم که فرد به نظام و نه خرده هنجارهای جنسیتی پی می برد، دانش او عمق بیشتری یافته است. در نهایت مرتبه ای که فرد هنوز جنسیت مند است ولی صرفاً محدود به عوارض کثرت زا و محدود و مادی آن نیست. این مرتبه فوق مراتب قبلی، به وحدت نزدیک تر، انسانی تر و الهی تر است و صد البته انسان در آن به ملک فاقد جنسیت تبدیل نشده است. به هر حال جایگاه بحث از لایه سوم وقتی روشن می شود که لایه اول و دوم و محدودیت های برآمده از آنها بدرستی فهم شود. به بیان دیگر لایه سوم را باید در کنار و پس از دو لایه اول خواند و تحلیل کرد، مطلبی که

مسیر شهادت نه تنها به سعادت اخروی و دنیوی شهید منجر می شود بلکه همواره برای نزدیکان (پدر، مادر، همسر، فرزند...) او نیز سراسر فرصت رشد و نزدیک شدن به قرب الهی را فراهم می کند اما در کنار همه زیبایی های این راه نباید از مشکلات و آسیب های نیز غفلت کرد. این مشکلات را می توان در حوزه های مختلف عاطفی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی دسته بندی کرد اما هدف این یادداشت بررسی مشکلات حقوقی است.

مشکلات حقوقی در حوزه های مختلف همواره مورد بحث و کنکاش بوده و ملاحظات در تطبیق حدود و قوانین الهی، عدالت و شرایط های جدید به وجود آمده در زندگی بشری با یکدیگر از جمله عمل های دشوار و بیشدت لازم در زندگی امروز است و همسران شهدا به مانند زنانی که طی حوادث مختلف همسر خود را از دست دادند با مسائل و مشکلاتی از این جنس مواجه هستند. در این بین مشکلات زنانی که فرزندی از شهید به یادگار دارند نیز بیشتر است. پس از شهادت پدر حضانت فرزندان با مادر و ولایت با ولی قهری (پدر بزرگ) است. مسأله ضعف و ناتوانی کودک و نیاز او به حمایت مراقبت و رفع نیازهای اولیه، مسأله ای واضح و قابل پذیرش است. اما این موضوع رابطه تنگاتنگی میان حضانت و ولایت به وجود می آورد.

حضانت به معنی نگهداری از کودک، رسیدگی به امورات روزمره، خوراک، پوشاک، تحصیل و تربیت است که به عهده مادر قرار می گیرد ولی قهری (پدر بزرگ) در فقه و قانون، ولایت بر نفس، مال و حقوق کودک را داراست و مادر هیچگاه چنین ولایتی را بر طفل خود ندارد ولی قهری او محسوب نمی شود. تقسیم حقوق و نیازمندی های کودک به طریق ترسیم شده تا زمانی که زندگی در حالت عادی و بدون بحران پیش برود و اتفاق نظر در مسائل گوناگون میان حاضرین ولی قهری وجود داشته باشد مناسب و در جهت حفظ منافع و صلاح کودک است؛ در غیر این صورت سبب پیدایش آسیب یا خلأهایی در زندگی مادر و فرزند می شود که به اختصار به چند مورد آن اشاره می شود:

### امور بانکی

برخلاف قانون موجود، تحت عنوان «اجازه افتتاح حساب پس انداز برای اطفال» که در سال ۱۳۵۶ در قالب ماده واحد به تصویب رسیده است در اکثر بانک ها مادر نمی تواند حساب پس اندازی را به نام فرزندش افتتاح کند و یا در صورت افتتاح تا زمانی که دارنده حساب (فرزند شهید) به سن قانونی برای برداشت برسد تنها ولی قهری امکان برداشت پول از حساب را داراست و نه مادر. این شرایط برای زمانی که مادر با هزینه شخصی خود این کار را کرده باشد نیز وجود دارد.

### امور درمانی

در این امور مراجعه به پزشک، پیگیری نیاز به درمان، انجام آزمایش ها و طی شدن روند بهبود بیماری بر عهده مادر و توسط او برای فرزند دنبال می شود؛ اما در زمانی که نیاز به بستری کودک، عمل جراحی (اورژانسی-معمولی) وجود دارد، اجازه این کار تنها با ولی قهری اوست. حتی در شرایطی که زمان حکم طلایی برای زندگی کودک بیمار دارد نیز، اجازه و موافقت حاضرین کودک (مادر) به تنهایی کفایت نمی کند و اجازه پدر بزرگ به صورت حضوری یا با دادن وکالت نامه رسمی و حقوقی به مادر لازم و ضروری است. این وضعیت زمانی تبدیل به چالش می شود که به دلایل متعدد از جمله کسالت ولی قهری، دور بودن مسیر، مخالفت و... این اتفاق در زمان لازم نتواند بیفتد.

### امور مالی

ارثی که فرزند از پدر خود می برد، همچنین پولی که از سرمایه گذاری، بیمه و... به او تعلق می گیرد، تا زمان رسیدن به سن قانونی، در اختیار ولی قهری اوست که باید با در نظر گرفتن صلاح و مصلحت فرزند نگهداری، استفاده یا تبدیل به احسن شود، تشخیص هر کدام از این راه ها بدون در نظر گرفتن شرایط فعلی زندگی او که توسط مادرش انجام می شود ممکن نیست. برای مثال در مواردی اتفاق افتاده است که مادر برای اقدامات درمانی کودک هنگام مراجعه به شهر مجاور او وسیله نقلیه عمومی و اتوبوس استفاده می کرده است، در صورتی که ماشینی از شهید به کودک به ارث رسیده اما با تشخیص ولی قهری، مادر امکان استفاده از آن را ندارد. در اینجا علاوه بر سختی که در حمل و نقل با اتوبوس متحمل کودک می شود، تارسیدن به سن قانونی و گذشت سال ها، ارزش و بهره ماشینی برای استفاده و از نظر مالی برای فروش نیز کاسته می شود. حداقلی ترین کار در این صورت تبدیل آن به احسن و سرمایه گذاری برای فرزند است که متأسفانه در این مورد صورت نگرفته است.

### پاسپورت و اجازه خروج از کشور

برای گرفتن پاسپورت در صورت فوت یا نبود پدر اجازه ولی قهری لازم است و این در شرایطی است که کودک تماماً با مادر خود زندگی می کند و تمام برنامه ریزی های تربیتی، آموزشی، رشد جسمی و... توسط مادر انجام می شود و رفتن به سفر به خصوص سفرهای زیارتی نیز جزئی از توجه به معنویت و تفریح محسوب می شود. حتی در شرایطی که پاسپورت برای کودک از زمان زنده بودن شهید وجود داشته باشد ولی قهری در صورت مخالفت با سفر مذکور می تواند اعلام مفقودی پاسپورت یا عدم اجازه خروج دهد. نکات مطرح شده در کنار سایر مسائل از جمله ثبت نام مدارس، انجام قراردادها، معاملات و... در شرایطی است که پس از شهادت پدر، ولی قهری (پدر بزرگ) در قید حیات باشد؛ اما نکته آنجاست که در غیر این صورت (فوت پدر بزرگ) مادر به عنوان حاضرین و قیم موقت باید در برابر تمامی تصمیمات و هزینه کرد ها در دادگاه پاسخگو باشد. تا هر ساله صلاحیت خود را برای حضانت فرزند تأیید کند. در حالی که این نظارت بر رفتار و تصمیم های ولی قهری وجود ندارد. حال سؤال این است که اگر هدف انجام همه امور با توجه به مصلحت کودک است، چرا این تفاوت نظارتی بین مادر و پدر بزرگ باید وجود داشته باشد؟ آیا غیر از این است که در این صورت با توجه به نقشی که مادر در نگهداری، تربیت و تأمین نیازهای مالی و معنوی دارد و اختیاری که در ولایت او بعد از پدر ندارد صرفاً باز تعریفی از وظایف یک پرستار برای اوست؟ بهتر است قانونگذاران در این حوزه ضمن توجه به شرایط روز، جایگاه امروز زنان و مادران در جامعه و تغییرات اقتصادی و فرهنگی که نسبت به زمان گذشته داشته اند، در قوانین موجود بازنگری کرده به نحوی که ضمن حفظ احترام و جایگاه ولی قهری، اختیارات مادر افزایش پیدا کرده و شرایط در موارد خاص و بحرانی که اختلاف نظر میان حاضرین ولی قهری وجود دارد، مسیرین بست همیشه به سوی مادر نباشد.



پس از شهادت پدر  
حضانت فرزندان با  
مادر و ولایت با ولی  
قهری (پدر بزرگ)  
است. تقسیم حقوق  
و نیازمندی های  
کودک به طریق  
ترسیم شده تا زمانی  
که زندگی در حالت  
عادی و بدون بحران  
پیش برود و اتفاق  
نظر در مسائل  
گوناگون میان  
حاضرین و ولی قهری  
وجود داشته باشد  
مناسب و در جهت  
حفظ منافع و صلاح  
کودک است؛ در غیر  
این صورت سبب  
پیدایش آسیب یا  
خلأهایی در زندگی  
مادر و فرزند می شود



نگارندگان به سه لایه ظهور جنسیت در رویداد اربعین بر زنان و مردان می پردازند. لایه سوم مرحله ای است که از بحث مراتب وجود در اندیشه های عرفانی و دینی از جمله فلسفه صدرالالهام گرفته شده است. مرحله ای که چنانکه گفته شد جنسیت، حذف، نفی یا مورد ضدیت قرار نمی گیرد و طبیعتاً نتایجی که ناقد محترم گرفته اند، بر این ایده مترتب نیست. چون جنسیت و آثار و تکر ناشی از آن نفی نشده، بلکه مورد استعلا یا فراروی قرار گرفته است